

دکتر محمد حسین حافظیان
چشم انداز خاورمیانه در دهه آینده

رویدادهای کنونی در منطقه عربی - اسلامی دیدگاهی را بر خلاف دیدگاه متداول موجب شده است که بر طبق آن بخشی از جهان در تطبیق با روند دموکراتیک شدن دارای شتابی بسیار کند و تا حدی مقاوم بوده است. در حالی که اروپای جنوبی و بعداً بخشهای بزرگی از اروپای شرقی و آمریکای لاتین به گونه‌ای فزاینده شکل‌های حکومت دموکراتیک را بر می‌گزینند، این منطقه همچنان شاهد حکومت پیوسته رهبران اقتدارگرا بود.

خاورمیانه که در نقطه پیوند سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا واقع شده، دارای اهمیت ژئوپلیتیک منحصر بفردي است. خاورمیانه گهواره تمدن، زادگاه سه دین توحیدی بزرگ، تقاطع حرکت و تجارت، پایگاه امپراتوریهای گسترده، منطقه تامین کننده 60 درصد از نفت جهان، سرچشمه جوش و خروش سیاسی و ایدئولوژیک و محل انفجار آمیزترین کشمکشهای پایدار پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد. [i] به دلایل گوناگون در سطح جهانی خاورمیانه معاصر به صورت منطقه‌ای رمزآلود، دچار آشوب و جنگ، گهواره تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی و حکومت خودکامه به تصویر کشیده می‌شود. [ii]

پیش‌بینی روندهای آینده در منطقه خاورمیانه کاری بسیار دشوار است که در بیشتر موارد نیز به خاطر شتاب بسیار بالای تحولات بین‌المللی در این منطقه و درگیری قدرتهای بزرگ در آن پیش‌بینی‌ها تحقق پیدا نمی‌کنند. با بهره‌گیری از سخن همایون کاتوزیان می‌توان در مورد خاورمیانه گفت که در منطقه‌ای پیش‌بینی ناپذیر همچون خاورمیانه، به داشتن علم پیامبری نیاز است تا بتوان آینده را

با میزانی از قطعیت پیش‌بینی کرد و حتی ممکن است
وی نیز فریب رویدادها را بخورد.

منطقه خاورمیانه یکی از بی‌ثبات‌ترین مناطق جهان
می‌باشد که بر خلاف بسیاری از دیگر مناطق در حال
توسعه جهان همچنان نزدیک به دو دهه پس از پایان
جنگ سرد کشمکش‌های منطقه‌ای به ویژه کشمکش اعراب
و اسرائیل هنوز در آنجا به پایان نرسیده است.
به همین خاطر بر خلاف دیگر مناطق در حال توسعه،
به دلیل وجود ذخایر نفتی و همچنین رشد
بنیادگرایی اسلامی که تهدیدی را برای منافع غرب
به ویژه ایالات متحده فراهم می‌آورد، همچنان فضای
امنیتی در این منطقه جهان باقی مانده است.

بسیاری از صاحب‌نظران به مستثنی بودن این منطقه
نسبت به دیگر مناطق جهان سوم و به نوعی به
عقبماندگی این منطقه از روندهای مسلط جهانی هم
در زمینه اقتصادی و همه به ویژه سیاسی اشاره
می‌کنند. به نظر واترבורی، آنچه خاورمیانه را
نسبت به دیگر مناطق استثنایی می‌کند، نتیجه تجمع
شماری از ویژگی‌هاست که محیطی بسیار نامطلوب برای
کثرت‌گرایی حقوقی و دموکراسی فراهم آورده
است. [iii]

رویدادهای کنونی در منطقه عربی - اسلامی
دیدگاهی را بر خلاف دیدگاه متداول موجب شده است
که بر طبق آن بخشی از جهان در تطبیق با روند
دموکراتیک شدن دارای شتابی بسیار کند و تا حدی
مقاوم بوده است. در حالی که اروپای جنوبی و
بعداً بخش‌های بزرگی از اروپای شرقی و آمریکای
لاتین به گونه‌ای فزاینده شکل‌های حکومت دموکراتیک
را بر می‌گزیدند، این منطقه همچنان شاهد حکومت
پیوسته رهبران اقتدارگرا بود. [iv]

در حالی که در 1975 تنها دو دموکراسی در این
منطقه وجود داشت، در سال 2007 نیز همین وضعیت
برقرار است. در واقع تنها دو کشور به طور کلی

انتخابات آزاد را با آزادی برای بیشتر احزاب اپوزیسیون برگزار می‌کنند. بدین ترتیب مشروعیت بحرانی است که بیشتر رژیم‌های خاورمیانه به درجات گوناگون هنوز درگیر آن هستند. اما دولت‌های رانتیه به رغم افزایش شدید قیمت نفت در دو سال اخیر با افول روبرو خواهد شد. کاهش بهای نفت و پایان یافتن ذخایر نفتی کشورهای منطقه پیگری اهداف توسعه اقتصادی و سیاسی بر اساس الگوهای موفق شرق آسیا را برجسته تر خواهد کرد. همچنین امکان خرید مشروعیت از مردم با دادن رفاه گسترده اقتصادی در کشورهای جنوب خلیج فارس دشوارتر می‌شود. این امر تهدیدی مهم برای دولتهای رانتیه در منطقه خاورمیانه خواهد بود.

تحولات پس از ۱۱ سپتامبر در این منطقه به ویژه مشکلات جدی که آمریکا در مدیریت امور خاورمیانه از جمله در عراق و لبنان با آن روبروست، وضعیتی را پدید آورده است که می‌توان پیش‌بینی کرد روند افول نفوذ آمریکا در این منطقه آغاز شده است و احتمالاً در یک دهه آینده آمریکا تنها عامل فرامنطقه‌ای تأثیرگذار بر منطقه نخواهد بود. همین امر فضایی را برای نقش‌آفرینی بیشتر دیگر قدرتهای بزرگ فرامنطقه‌ای و قدرتهای در حال ظهور منطقه‌ای همچون ایران به عنوان جایگزینی برای قدرت آمریکا فراهم خواهد آورد. حرکت به سوی حکومت‌های دموکراتیک‌تر در جهان عرب که در بسیاری از موارد با قدرت یافتن شیعیان و یا احقاق حقوق آنان همراه می‌شود در سالهای آینده با شتاب بیشتری ادامه خواهد یافت. دموکراتیک شدن در جهان عرب موجب کاهش تنش‌های میان کشورهای عربی با ایران و برقراری روابط بهتر با آنها خواهد شد. قدرت گرفتن شیعیان نیز فضای مانور بیشتری را برای ایران در منطقه خاورمیانه فراهم خواهد کرد.

در صورت دموکراتیک شدن خاورمیانه، تحولاتی در محیط پیرامونی ایران روی خواهد داد. ایجاد نظام‌های دموکراتیک در منطقه موجب می‌شود که

زمینه‌های اصلی بنیادگرایی اسلامی سنیافراطگرا از میان برود و بدین ترتیب، تهدیدات امنیتی مربوط به آن برای ایران کاهش یابد. همچنین تحکیم حکومت‌های دموکراتیک در منطقه موجب برقراری ثبات در این کشورها خواهد شد، زیرا موجب کاهش تنش‌های سیاسی و نیز قاعده‌مند شدن رقابت‌های سیاسی در درون این کشورها می‌گردد. وجود ثبات داخلی در این کشورها به همراه این واقعیت که دموکراسی‌ها با یکدیگر به جنگ نمی‌پردازند موجب چشم‌انداز مثبت‌تر ثبات در سطح منطقه خواهد گردید.

بی‌تردید، دموکراتیزاسیون تهدیدی بزرگ برای نظام‌های سیاسی موجود کشورهای خاورمیانه به شمار می‌رود. زیرا اکثریت نظام‌های سیاسی موجود به هیچ وجه ظرفیت این را ندارند که بتوانند روند دموکراتیزاسیون را به گونه‌ای مدیریت کنند که در نهایت کلیت نظام به صورت اصلاح شده بقاء داشته باشند. همچنین به خاطر آنکه اکثریت نخبگان سیاسی کشورهای منطقه محصول شرایط اقتدارگرایی و خودکامگی هستند، قابلیت پذیرش و مدیریت فرایند دموکراتیزاسیون را دارا نیستند و حتی هیچ اعتقادی نیز به آن ندارند. زیرا برای این نخبگان، این نکته کاملاً آشکار است که نخستین نتیجه دموکراتیزاسیون برایشان، الزام به ترک قدرت و واگذار کردن آن به نخبگان سیاسی معتقد به دموکراسی است که از راه انتخابات آزاد برگزیده می‌شوند. در واقع، در میان نخبگان سیاسی کشورهای خاورمیانه به سختی می‌توان افرادی را یافت که از شایستگی‌های لازم برای باقی ماندن بر سر قدرت در فرایند دموکراتیک نیز برخوردار باشند.

دموکراتیک شدن کشورهای عربی موجب می‌شود که تهدیدات امنیتی که این کشورها به خاطر پیگیری سیاست‌های نظامی‌گرایانه، ماجراجویانه و ضد ایرانی به ایران تحمیل کرده‌اند تا حد بسیار زیادی کاهش بیابد. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند برای تقویت امنیت ملی خویش هر

چه بیشتر به فرایند دموکراتیک شدن در خاورمیانه دامن بزند و آن را در راستای منافع ملی خویش ارزیابی کند. البته تهدید بزرگی که در خصوص فرایند دموکراتیک کردن کشورهای عربی می‌تواند بروز کند این است که گروه‌های بنیادگرای سنی که دیدگاه‌های مثبتی نسبت به شیعیان و جمهوری اسلامی ندارند، بتوانند طی این فرایند قدرتمندتر شوند و یا حتی از راه دموکراتیک به قدرت برسند. تلاش برای جلوگیری از دست یافتن این گروه‌ها به قدرت در کشورهای عربی که موجب آغاز دور تازه‌ای از درگیری‌های میان سنیان و شیعیان و تنش میان جمهوری اسلامی و آن کشورها خواهد شد، باید در دستور کار سیاست خارجی ایران باشد و در این راستا از هماهنگی با دیگر نیروهای سیاسی این کشورها که مخالف این جریان‌ها هستند پرهیز نگردد.

اما از چالش‌هایی که در دهه آینده ایران در خاورمیانه با آن روبرو خواهد شد می‌توان به رشد چشمگیر اقتصادی در کشورهای اشاره کرد که با اتخاذ نظام اقتصادی بازار آزاد و ادغام در اقتصاد جهانی توانسته‌اند خود را از لحاظ اقتصادی به عنوان قدرتهایی در حال ظهور معرفی کنند. این در حالی است که تداوم سیاست‌های اقتصادی دولت‌گرایانه و اتکای صرف بر درآمدهای نفتی در حالی که سرمایه‌گذاری خارجی بسنده برای افزایش سطح تولید نفت در ایران به خاطر تحریم‌های ایالات متحده علیه صنایع نفت و گاز ایران صورت نمی‌گیرد، می‌تواند موجب برخی مشکلات اقتصادی برای ایران در منطقه شود.

در خاورمیانه جز در زمینه بهداشت و آموزش که شکاف‌های میان زنان و مردان در طی چندین دهه گذشته بسیار کمتر شده، میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی خاورمیانه به هیچ وجه وضعیت مطلوبی ندارد. آمارها در خصوص وضعیت سیاسی زنان و میزان حضور آنان در سطوح بالای تصمیم‌گیری از وضعیت اقتصادی آنان نیز بسیار بدتر است. در

این خصوص یکی از پایین‌ترین آمارها در سطح جهانی به خاورمیانه اختصاص دارد. در واقع، در دهه آینده نسل تحصیل کرده زنان جوان منطقه خواهان حقوق برابر با مردان خواهند شد و چهره اقتصاد و سیاست صرفاً مردانه این منطقه اندکی بیشتر به سوی برابری جنسیتی تغییر خواهد کرد.

در خاورمیانه رشد و توسعه معنای صرفاً اقتصادی و تکنولوژیک داشته است و توسعه سیاسی هیچ اولویتی برای نخبگان سیاسی این کشورها نداشته است. عربستان سعودی نمونه روشن این وضعیت است که واپسین تجهیزات تکنولوژیک ولی نظام سیاسی قرون وسطایی در کنار یکدیگر به چشم می‌خورند. این نوع حکومتها شاید تنها در ابزارهای سرکوب بسیار مدرن عمل می‌کنند. بیشتر کشورهای خاورمیانه از نظر درآمد سرانه در رده بالاتری قرار می‌گیرند تا از نظر توسعه انسانی. این رژیمها در خصوص ترجمه ثروت به بهبود زندگی روزمره شهروندان کار خود را به خوبی انجام نمی‌دهند. کشورها در دیگر نقاط جهان در همان سطح درآمد سرانه، از نظر بهداشت و آموزش کار بیشتری برای جمعیت خود انجام می‌دهند؛ این می‌تواند بدین خاطر باشد که ثروت به طور پایدار نصیب نخبگان یا روانه حسابهایی در بانکهای خارجی می‌شود، و یا به هزینه بخش غیرنظامی صرف بخش نظامی می‌گردد.

بدین ترتیب، رهبران خاورمیانه تصمیمات بدی در سیاستهای اقتصادی و اجتماعی می‌گیرند و در نتیجه مردم دچار مشکل می‌شوند. [V] با این حال با افزایش شمار تحصیل کردگان نسل جدید در این منطقه تداوم این وضعیت بسیار دشوارتر می‌شود. با جانشینی رهبران جوان تر به جای رهبران کهنسال خاورمیانه اندک اندک نشانه‌های تغییر این وضعیت به چشم می‌خورد و در دهه آینده شدت خواهد گرفت. مطمئناً در طی دهه آینده جامعه بین‌المللی به ویژه ایالات متحده به دنبال راه حلی پایدار برای پایان بخشیدن به کشمکش درازمدت اعراب و

اسرائیل برخواهد آمد. ظاهرا راه حل دو دولت و تشکیل دولت مستقل فلسطینی راه حل پایدار و مورد اجماع بین المللی برای این کشمکش خواهد بود.

اساسا تاکنون فشارهای ناشی از جهانی شدن بر منطقه خاورمیانه بسیار کمتر از دیگر مناطق مشاهده شده است. اما به سختی می توان اعتقاد داشت که مقاومت کشورهای این منطقه در برابر این فرایند در دهه آینده نیز به همین صورت ادامه یابد.

به طور کلی، طی یک دهه آینده خاورمیانه چهره ای متفاوت از چند دهه گذشته پیدا خواهد کرد و عقبماندگی خاورمیانه نسبت به تحولات مسلط جهانی در زمینه آثار جهانی شدن تا حدی برطرف خواهد شد. همین امر تحول در سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران برای سازگاری با تحولات آینده را الزامی میسازد.

یادداشتها

- i]- Colbert C. Held, *Middle East Patterns*, Boulder: Westview Press, 1989, p. 3
- ii]- Beverly Milton-Edwards, *Contemporary Politics in the Middle East*, Cambridge: Polity Press, 2003, p. 1
- iii]- John Waterbury, "Democracy Without Democrats?: The Potential for Political Liberalization in the Middle East," in Ghassan Salame (ed.), *Democracy Without Democrats? The Renewal of Politics in the Muslim World*, London: I. B. Tauris Publishers, 1994, p. 25
- iv]- Ghassan Salame, "Introduction: Where Are the Democrats?" in G. Salame (ed.), *op. cit.*, p. 1
- v]- William B. Quant, "The Middle East on the Brink: Prospects for Change in the 21st Century," *Middle East Journal*, Vol. 50, No. 1, Winter 1996, pp. 9-10